

جووانی، دگر گونی، سرکشی

بقلم : کنت کنیستون

در پدید آوردن این چهره جدید از جووانی دو نهضت نقش عمده بازی کرده‌اند : روشنفکران رادیکال وهیبی‌ها . این هردو دسته مخلوق صادقانه جووانیند و هردو را می‌توان عکس‌العملی در مقابل سازمان جامعه مدرن دانست . باین وجود آنان از جهات مختلفی با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت از دینامیزم روانی تا ایدم‌نولوژی را شامل میشود هیبی از جامعه‌ای عزلت گرفته است که آنرا از دست رفته میندارد وامیدی بهنجانش ندارد ازاین رو توجه خودرا یکسره معطوف درون کرده و به گسترش وجدانی شخصی پرداخته است اما جووان لیبرال روشنفکر نه از میدان جامعه گریخته و نه خودرا تسلیم خواسته های آن کرده است بلکه میکوشد تا آنرا بمیل خود دگرگون سازد و نجات بخشد با مطالعه روش

در دنیای امروز اثری وجود دارد که جووان را بیقراری خاصی بخشیده واورا نسبت بهربا وسالوس گذشتگان سخت ناشکیبا میازد ودر عین حال ملایمتی آشکار وصادقتی نافذ و عمیقتر از آنچه در جووان گذشته بچشم میخورد در وی پدید میآورد البته بیشتر آنچه در جووانان دانشجو وغیر دانشجو مشاهده میکنیم بچشمان آشناست زیرا جووان بودن بیک معنی واز یک نظر پیوسته حائلی یکسان است لیکن از نظری دیگر جووانی تجلیات گوناگونی دارد وهر زمان بااوصافی خاص ظاهر میشود زیرا جووان هرئسل با موقعیت و نقش تاریخی خاص روبروست بااینهمه بیان این تفاوت آسان نیست و اشکال آنرا قسمتی در ماهیت جووانی و قسمتی دیگررا در نفس تنوع جووانان باید جستجو کرد .

زندگی و سیستم فکری این دو گروه
ما می‌توانیم با روح نسل جوان آشنا
تر شده و علت تفاوت و دگرگونی
آنها را بیشتر درک کنیم .

نسل جوان

جوان امروز اولین نسلی است که
پدر و مادر مدرن پرورش یافته و
از اینرو اولین نسل فوق مدرن
محبوب میشود و این جنبه بنهائی او
را از نسلای گذشته جدا ساخته و در
او حالتی پدید آورده است که زائیده
تجدد و تجمل و دگرگونی سریع
اجتماعی است هر چند در راه
کوشش برای تشخیص صفات و
خصوصیات روانی نسل فوق مدرن
مشکلات فراوانی وجود دارد باید
اعتراف نمود که این کوشش شایسته
انجام است زیرا نه تنها در آمریکا
بلکه در سرزمینهای دیگر نیز جوانان
راه و رسم نوینی اختیار کرده‌اند که
باید آنرا عکس‌العمل در مقابل تحولات
بیست ساله اخیر و منعکس کننده تاریخ
این دوران دانست مقصد من از بکار
بردن اصطلاح روش بجای آینده‌نولوژی،
برنامه، هدف و غیره بیان این حقیقت
است که آنچه جوانان امروز را بصورت
یک واحد اجتماعی در آورده هدف،
اصول عقاید و ایده نولوژی خاصی نیست
بلکه طریقی است که آنان برای زندگی
در جهان برگزیده‌اند .

جوان فوق مدرن لااقل در آمریکا
بسیار متحول و بی‌ثبات است بلکه باید

لطفاً ورق بزنید



گفت تغییرات انقلابی برایش بصورت قانون درآمد و از اینرو در حرکات و تحولاتش علت غالی و هدف نهائی بچشم نمی خورد جوان فوق مدرن بسیار قابل انتقاد و تغییر پذیر است زیرا از نظر شخصیت فردی موجود ناانامی است در برابر احساسات درونی بی برده و در گفتار و کردارش یکرنگ و بی ریاست از هر چه بخواهد او را در مرحله ای متوقف سازد یا محدود و مقید کند میگریزد حتی از شناسائی خویش پرهیز میکند زیرا شناختن یعنی محدود کردن و قطعیت بخشیدن .

نهضت هیبی ها فاقد ایده نولوژی است بلکه باید گفت دشمن هراسل و ایده است در میان هیبی ها عشق ساده و مصاحبت و معاشرت بی برده و دوستانه حکومت میکند . در روش هیچیک از افراد این دسته نمی توان از نقشه های عمیق برای آینده اثری یافت آینده شخصی و جمعی آنها در ایهام و تاریکی است و هیچگونه تصویر روشنی برای دوران بعد از بلوغ مشاهده نمی شود .

خودآگاهی نسلی

جوانان امروز خود را در درجه اول جزء يك نسل و نه جزء يك اجتماع می شمارند و خود را با هسالان ونه با بزرگترها معاصر می دانند و در میان شان تعریف روشنی از قهرمان و رهبر بچشم نمی خورد برای مثال در میان رادیکالهای جوان فقدان قهرمان یا

رهبر من تر جالب توجه است آنها حتی کسانی را که پنج سال من تر از دیگران باشند با نظر تردید و سوء ظن می نگرند .

این خودآگاهی نسلی همچنین متضمن نوعی احساس روانی از جدالی با نسلهایی قبل و عقاید و فرهنگ آنها است در میان رادیکال های جوان اعتقاد راسخ بر این است که عقاید قدیمتر دیگر فرسوده است یا برای دنیای امروز مفهومی ندارد .

در نظر هیبی اگر سرچشمه بینش والهامی وجود دارد تنها در سنتها و فرهنگ جاودان شرق باید جستجو نمود که سد های زمان و مکان درهم شکسته و رنگ ابدیت یافته است .

اصالت فرد

هر دو دست در روشها و در روابط خود با اجتماع از اصالت فرد پیروی می کنند در میان هیبی ها اصالت فرد غالبا با انزوا و کناره جوئی از گوشه ها ای که متضمن ایجاد تغییر در اجتماعات بشری است همراه است . یکی در میان رادیکال های جدید اصالت شخص با کوشش برای تغییر جهان توأم می باشد .

گریز از ریاضت

جوان فوق مدرن از ریاضات نفسانی گریزان است همه اشتیاقات و تمایلات خود را بی برده آشکار می سازد و از نظر جنسی آزاد مطلق است مسئله آزادی جنسی در دنیای هیبی ها مورد بحث و انتقاد فراوان واقع شده است البته

در میان بسیاری از رادیکالهای جوان نیز این گونه آزادی بچشم می خورد لیکن مانند آزادی هیبی ها برانگیزاننده و نمایش دهنده نیست این دختران و پسران جوان سخت می کوشند تا از قیود و منهیات دینی و اجتماعی رهائی یافته و بخصوص از نظر جنسی مطلقا آزاد باشند . از نظر ایده نولوژی جوان فوق مدرن روابط جنسی باید دارای مفهوم انسانی باشد صمیمیت و نزدیکی روحی و اشتراك احساس در آن وجود داشته باشد .

در نظر هیبی روابط جنسی بین کسانی که نسبت بیکدیگر خوب و مهربان هستند درست و طبیعی است اما بهره برداری جنسی و عدم پذیرش طرف مقابل بعنوان يك انسان سخت نادرست است .

پذیرش روحی

هیبی ها سعی میکنند هرگونه بیگانگی را چه از درون و چه از عالم خارج بپذیرند از نظر روانشناسی مفهوم این پذیرش آن است که شخص سعی کند نسبت به همه احساسات انگیزه ها و اندیشه های خود صادق و بی ریا باشد و بکوشد که همه آنها را در وجود خود وحدت دهد نه آنکه بعضی را سرکوب کند و بعضی دیگر را بدور افکند . و از نظر روابط بین اشخاص مفهوم پذیرش ظرفیت آشنائی با کسانی است که در ظاهر بیگانه می نمایند مثلا

یک‌غیر سفید یا یک شخص محروم یا ناقص‌الخلقه ، اصرار هیپی‌ها به‌ورود یگانگان بجرگه خود بقدری زیاد است که غالباً با آنها بیش از کسانی که ظاهراً مشابه‌اند با محبت رفتار می‌شود یکی از توالی این پذیرش آن است که شخصی از مرز و حدود ملیت خارج می‌شود . برای هیپی چه اهمیت دارد که شخص از کدام کشور یا کدام ولایت است آنچه اهمیت دارد این است که چه نوع روابطی می‌توان با شخص برقرار کرد . ملیت افکار و عقاید هیچ‌گونه تأثیری ندارد زن بودیم ژاپن ، پراگماتیسیم آمریکا ، اگرستانسیالیسم فرانسه ، عرفان هند متساویا در جمع هیپی‌ها مستمع می‌بایند . اختلافات نژادی نیز در این پذیرش حل می‌شود . وحدت نهائی بین نژادها ، روابط جنسی و ازدواج بین آنها طبیعی و عادی تلقی می‌گردد .

مخالفت با تکنولوژی

مظاهر تمدن و صنعت جدید بخصوص از نظر عوارض روحی آن برای جوان امروز غیر قابل تحمل است هیپی جویای سادگی است سعی میکند هر چه بیشتر خود را به طبیعت نزدیک سازد زیرا معتقد است ارزش های تمدن جدید زندگی را آلوده ساخته صفای معنوی آنرا از میان میبرد . جوانان فوق‌مدرن محافلی کوچک در محیطی انسانی و دوستانه ترتیب

دادند و با آن سبک زندگی مخالفان و عقاید دیگران بخصوص مخالفان روبرو می‌شوند و یکدیگر را بخاطر اصلاح و تعدیل نه برای تضعیف طرف مقابل انتقاد می‌کنند . و این پدیده نه تنها در آمریکا بلکه حتی در میان ملل دیگر نیز چشم می‌خورد .
تظاهرات آرام و غیر خصمانه هیپی‌ها بخاطر آن است که مخالفان خود را وادار نمایند به سخنان آنان توجه نمایند و افکار و اندیشه‌های آنان را درنگ کنند و معتقدند که با این روش بهتر میتوانند در قلب مخالفان نفوذ کرده آنها را بقبول ارزشهای خود ترغیب نمایند .

مخالفت با آکادمی و علوم رسمی

جوانان امروز علوم رسمی و آکادمی صوری جهان مدرن را طرد میکنند زیرا معتقدند که دانش باید در خدمت و بخاطر رفاه و آسایش افراد بشر باشد . در حالیکه آکادمی موجود چنین نیست . این تمایل را نمی‌توان ضدیت و مخالفت با علوم و معنویات بطور مطلق دانست زیرا رادیکالهای جدید و همچنین هیپی‌ها خود غالباً افرادی روشنفکر بوده و با معنویات آشنائی دارند و دسته چپی های جدید لاقول رهبران شان برای علم و معرفت احترام فراوانی قائلند و کسانی را که بدون علم اقدام به عمل میکنند محکوم مینمایند .

مدارس ، کالجها و دانشکدهها تدریس میشود با زندگی سومین بختی قرن بیستم بسیار بی ارتباط است . باید علمی را تحصیل نمود که با عمل و فکر روی عمل قرین باشد ، علمی که حاصل آن مداخله عالمانه در امور جهان است . در دنیائی که هر روز و هر ساعت در تغییر و تحول است نمی‌توان برای علم و طریق تحصیل آن اصول مسلم و لایتغیری فرض نمود . هیپی‌ها نمتهای علوم و معارف جدیدی را طالب است بلکه برای نیل به آنها جویای روشها و راههای نوینی است .

عقیده و عمل

تحولات عظیم اجتماعی در دوران پس از جنگ در روح جوانان اثرات گوناگونی داشته و از جمله حاسیت شدیدی نسبت به فاصله بین عقیده و عمل در آنها پدید آورده است . یکی از مهمترین عوامل سرکشی و عصیان جوانان علیه پدر و مادر مشاهده همین اختلاف است پدران و مادران هنگام بیان اصول عقاید خویش اظهار میکنند که فرزندان باید مستقل و خود مختار باشند این اظهار در نظر جوانان جز فریب و ریاکاری چیزی نیست زیرا در عمل وقتی فرزندان میخواهند از این آزادی و استقلال استفاده کنند با مخالفت آنها روبرو میشوند همین دوگانگی بین عقیده و عمل در مساله تبعیضات نژادی بقیه در صفحه ۴۴

نقش آموزشی

هستند که نمیتوانند بحکم تجربیات قبلی مردم را در راه توسعه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی درست‌راهنمایی کنند: منابعی که برای تنظیم این گزارش مورد استفاده قرار گرفته است :

* ۱- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب اطلاعات و توسعه ملی نوشته ویلبر شرام .

1 - L'information et le développement national W. Schramm (UNESCO).

2 - Radio and television in the service of education and development in Asia (UNESCO).

جوانی و دگرگونی

بقیه از صفحه ۱۳

و تعصبات دینی بچشم میخورد زیرا بسیاری از پدران و مادران در ظاهر با اینگونه تبعیضات و تعصبات مخالفت می‌کنند لیکن به فرزندانشان اجازه نمی‌دهند با فردی از نژاد یادیانت دیگر باب دوستی و معاشرت باز نمایند در مسائل سیاسی و دیگر مسائل اجتماعی نیز این اختلاف بین عقیده و عمل بسدت محسوس است .

آخرین خصیصه جوانان فوق‌مدرن روش ملایم و غیر خصمانه ایست که در تظاهرات و برخوردهای خود درپیش گرفته‌اند . هیپی ها از هرگونه شدت عمل احتراز میکنند بلکه میکوشند تا خصومت و اختلاف از میان برخیزد و این صفت در دسته‌گلهائی که به افراد پلیس تعارف میکنند و درعارشان مبنی بر اینکه جنگ نکنید بلکه عشق بورزید بخوبی منعکس میگردد ●

عصیان فاقد اصالت بقیه از صفحه ۳۲

در کشورهایی ، مانند کشور ما ، که چنین هواپلی وجود نداشته ، «مسأله جوانان» و «عصیان» آنها فاقد اصالت است .

نزديك دو قرن است از آغاز صنعتی شدن غرب میگذرد . غرب بحد کافی در تکنیک و صنعت پیشرفت نموده و عوارض ناشی از ماشینیسم و تمدن صنعتی ، بشدت ، گریبانگیر آن شده است . با جنگهای وحشتناکی نظیر جنگ جهانی اول و دوم روبرو بوده است . جنگ جهانی اول چهار سال و جنگ جهانی دوم شش سال بیشتر طول نکشید . ولی همین چند سال کوتاه کافی بود که اساس فکری جامعه غرب را دگرگون سازد . فی‌المثل پدر آمریکایی یا آلمانی متوجه شد که دیگر فرزند او حرفهایش را نمی‌فهمد و حرفهای تازه تری مطرح میسازد که حیرت‌انگیز است . بیش از یک ربع قرن از جنگ جهانی دوم نگذشته است ، ولی نسل امروزی آلمان - که جنگ را بچشم خود ندیده است - با افکار نسل قبلی بشدت احساس بیگانگی مینماید .

جنگ و ویرانیهای آن ، دگرگونیهای زیربنا و روبنا ، پیشرفت حیرت‌انگیز تکنولوژی ، ماشینیسم و عوارض ناشی از آن وبالاخص فاصله عظیم و وحشتناک بین ترقی‌مندیات و توسعه مادیات ، و انگیزه‌های دیگر ، عامل بروز تضاد فکری و عقیدتی بین دو نسل گردیده و باعث شده که مسأله جوانان بنحوی حد مطرح گردد .

ولی در کشور ما مسأله‌ای بنام «جوانان» یا «عصیان جوانان» و یا نسل نو ، نمیتواند اصالت داشته باشد . زیرا همانطور که اشاره شد ، عواملی که در غرب باعث بوجود آمدن این مسأله شد ، در کشور ما ، وجود نداشته است . در جامعه‌ای زندگی میکنیم که تازه در راه صنعتی شدن گام نهاده است . این آغاز راه است و طبعاً هنوز گرفتار عوارض و عواقب ناشی از تمدن صنعتی نشده‌ایم . با جنگهای بزرگ ، بنحو ملموس و بطور تجربی - بمعنای احص کلمه - روبرو نشده‌ایم ، هرچند که از زیانهای ناشی از آنها ، بی‌بهره نبوده‌ایم . تا چند سال پیش ارزشها

بقیه در صفحه ۵۲